

اهل بیت (ع) و امامان دوازده گانه در تمام این مراحل و منازل دوشادوش قرآن اصالت و واقعیت و تحقق دارند و باید جمیع معارف و فرهنگ با آن گستردگی و وسعتش بدانها بازگشت ...

بحثی در مفاد حدیث ثقلین/ حدیث ثقلین به روایت حضرت فاطمه زهرا(س)

مرحوم علامه آیت الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی(رضوان الله علیه) در کتاب شریف امام شناسی، مجلد سیزدهم (در باب &#171؛حدیث ثقلین&quot؛، که به مباحثی همچون &#171؛امر رسول خدا بر کتابت حدیث و حدیث ثقلین&quot؛؛ raquo&#171؛&quot؛تواتر حدیث ثقلین&quot؛ و &#171؛موارد صدور و مواقع احتجاج و بحث کلامی حدیث ثقلین&quot؛ می پردازد) بحثی را در مورد مفاد حدیث ثقلین &#171؛إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ: من در میان شما دو چیز بزرگ و سنگین از خود به یادگار می گذارم یکی کتاب خدا و دیگری عترت من، یعنی اهل بیت من هستند، و این دو هیچگاه از یکدیگر جدا نمی شوند تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند&quot؛ مطرح می کند که در ادامه از نظر می گذرد.

ایشان پس از بیان معنی لغوی ثقلین و عترت، مراد از اهل بیت و عترت را چنین می نویسد: مراد حضرت رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) از، 171#& عترتی اهل بیته و خصوص وجود مقدس امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فاطمه زهرا(علیها السلام) و حضرت امام حسن و امام حسین(علیهما السلام) و 9 پسر یکی پس از دیگری از ذریه امام حسین(علیه السلام) است که آخرین آنها حضرت یقته الله (أرواحنا فداءه) می باشد.

شاهد اول ما حدیث کساء است که پیغمبر که علی و فاطمه و حسنین (علیهم السلام) را در زیر کساء گرفت عرض کرد: «وَاللَّهِمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي»؛ و با خودش مجموعاً پنج نفر اهل البیت بودند و ذریه حضرت سید الشهداء (علیهم السلام) به دلایل قطعی و قرائن شهودیه تا امام زمان داخلند و ما بحث از این حقیقت را به طور مستوفی در ضمن بحث از آیه تطهیر نموده ایم.

دوم روایاتی است که شیعه و عامه از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت کرده اند که آن حضرت تفسیر این فقره را مشروحاً فرموده و علی بن ابیطالب و حَسَنین و صدیقه کبری و سپس 9 امام دیگر را یا یکایک آنها را با نام و نشان‌شان و یا به طور اجمال تا حضرت مهدی قائم آل محمد(علیهم السلام) بیان نموده است.

این روایات که از فریقین با سند قطعی و صحیح الصدور رسیده است فراوان و بسیار جالب است و... [لذا] قرآن و عترت از جهت اهمیت به مثابه نفس خود حضرت رسول هستند و بر امت لازم است نه تنها از نقطه نظر تشریف، بلکه از جهت اشراف آنها بدانها با نظر تکریم و تعظیم و تفخیم بنگرند و آنها را ولی و والی و مُسَیْطِر و مُهَیْمَن بر خود بدانند، به مثابه حیات رسول الله(ص) که ولیّ و والی و مسیطر و مهیمن بود.

حدیث ثقلین، به روایت حضرت فاطمه زهرا (علیها سلام الله)

ایشان در قسمتی دیگر از مباحث کتاب در باب طرق مختلفه روایت این حدیث، از حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها حدیث ثقلین را چنین روایت می کند: &#171؛ قَالَتْ سَمِعْتُ أَبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي مَرَضِهِ الَّذِي قِضَ فِيهِ يَقُولُ وَ قَدْ اِمْتَلَأَتِ الْحَجَرَةُ مِنْ أَصْحَابِهِ: أَيُّهَا النَّاسُ! بُوْشِكُ أَنْ اقْبِضَ قَبْضًا سَرِيعًا وَ قَدْ قَدِمْتُ إِلَيْكُمْ الْقَوْلَ مَعْذَرَةً إِلَيْكُمْ، أَلَا إِنِّي مُخْتَفٌ فِيكُمْ كِتَابَ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ وَ عَتَرْتَنِي أَهْلُ بَيْتِي! ثُمَّ أَحَدٌ يَبِيدُ عَلَيَّ فَقَالَ: هَذَا عَلَيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْصَ فَأَسْأَلُكُمْ مَا تَخْلُقُونِي فِيهِمَا؛ شنیدم از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در مرض موت در حجره مبارکه خود در وقتی که مملو از جمعیت بود، فرمود: ای مردم نزدیک است مرا به زودی و به سرعت قبض کنند و برای رفع عذر شما نزد خدا من گفتم را برای شما تقدیم می کنم: آگاه باشید که من

در میان شما دو جانشین از خود می گذارم، کتاب پروردگارم و عترتم که اهل بیت منند و سپس دست علی را گرفت و بلند کرد و گفت: این علی با قرآن است و قرآن با علی است و این دو تا از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند. پس بیرسم از شما درباره آنچه که بعد از من با آن دو کردید!<\/p></div>
<div class=

مفاد حدیث ثقلین حجیت اهل بیت و عترت است

علامه طهرانی(ره) در مفاد این حدیث شریف می نویسد: آنچه از حدیث ثقلین به دست می آید از امامت و امارت و حکومت و ولایت و طهارت و علم و فهم و أعلمیت امامان و رشد و هدایت متابعان و کفر و عوایت و ضلالت متخلفان و بقاء و دوام این امر تا قیامت و غیر ذلك، از دقت در این حدیث با طرق مختلفه و مضامین متفاوته بسیار است، ولی ما فقط در اینجا به ذکر دو نکته اشاره می کنیم:

نکته اول حجیت اهل بیت و عترت است همانند حجیت کتاب در جمیع معارف اصیل و فرهنگ قویم اسلام. بدین معنی که به مثابه قرآن کریم در اصالت و واقعیت و اتقان و مصونیت از غلط و خلط و اشتباه در تمام معارف و عقاید و احکام و قصص و حکایات و قوانین باقسامها و اخلاق و فلسفه و عرفان و علوم طبیعی و تجربی همان طور که قرآن سند است و تمام این فرهنگ گسترده باید بدان برگردد. همچنین اهل بیت(ع) و امامان دوازده گانه در تمام این مراحل و منازل دوشادوش قرآن اصالت و واقعیت و تحقق دارند و باید جمیع معارف و فرهنگ با آن گستردگی و وسعتش بدانها بازگشت نماید و گر نه غلط و اشتباه و متزلزل و فاسد و خراب خواهد بود.

ما با هر فرد از افراد عامه بحث و گفتگو داشته باشیم چون به کتاب الله برگردد و شاهی از آیه ای آورده شود، برای طرفین بحث تمام است، زیرا آیه قرآن از جهت إتقان و إحکام و مصونیت و عصمت، بالادست ندارد و کسی را یارای آن نیست که بر آن خرده گیرد و به علت عدم قبول قرآن بحث را ادامه دهد.

وی خاطرنشان می‌کند: حدیث ثقلین، عترت را همدوش و همپایه و هم ترازو و هم لنگه قرآن قرار داده است، و هر کس به پیغمبر معتقد است باید طبق این حدیث، کلام و گفتار و روش و عمل و کردار و اخلاق و عقیده و سایر جهات ادراکی خود را با امامان وفق دهد و تطبیق نماید، زیرا این حدیث عیناً ایشان را مانند قرآن قرار داده است از جهت حجیت و اصالت.

در #171؛ غاية المرام؛ با اسناد خود از مسعدة بن صدقه روايت می کند که حضرت امام جعفر صادق(عليه السلام) فرمودند: انّ الله جعل ولايتنا اهل البيت قطب القرآن و قطب جميع الكتب، عليها يستدير محكم القرآن و بها تؤهت الكتب و يستبين الإيمان، و قد أمر رسول الله(صلى الله عليه و آله) أن يُقتدى بالقرآن و آل محمد و ذلك حيث قال في آخر خطبة خطبها: اتى تارك فيكم الثقلين: الثقل الأكبر و الثقل الأصغر، أما الأكبر فكتاب ربّي، و أما الأصغر فعترتي أهل بيتي، فاحفظوني فيهما، فلن تضلوا ما تمسّكتم بهما: خداوند ولايت ما اهل بيت را قطب قرآن قرار داد و قطب جميع كتابهای آسمانی قرار داد. محكمات قرآن بر ولايت ما دور می زند و كتب آسمانی در مدح و تعظيم ولايت ما فرياد برآوردند؛ و ايمان به ولايت ما ظاهر می گردد، و رسول أكرم صلى الله عليه و آله در آخرين خطبه ای که ايراد نمود، امر کرد تا به قرآن و آل محمد اقتدا کنند آنجا که گفت: من در میان شما دو متاع نفيس و خطير و دست نخورده مصون را قرار می دهم: يك متاع نفيس و مصون بزرگتر، و يك متاع نفيس مصون کوچکتر. اما بزرگتر كتاب الله كتاب پروردگار من و اما کوچکتر پس عترت من است که اهل بيت من می باشند، بنابراین بر شما لازم است که مرا و حق مرا در آن دو چیز حفظ نمائيد، و تا مادامی که بدان دو چیز تمسّک کنید گمراه نمی شوید!؛

علامه طهرانی (ره) در ادامه چنین بیان می کند: بناءً علیهذا وقتی ما با يك نفر از عامه و سنی مذهبان در بحث برخورد می نمائیم، چون به گفتار امیرالمؤمنین و یا امام حسن و امام حسین و هر يك از امامان تا حضرت بقیة الله می رسیم که صدور آن کلام از ذوات مقدسه ایشان به ثبوت رسیده باشد، حتماً باید بحث را قطع کنیم و دنبال ننمائیم، چرا که به حجت رسیده ایم و او برای ما روشنگر راه و چراغ هدایت است که تمام ظلمتها و ضلالتها در پرتو او روشن می شود و راه نمایان می گردد و تزلزله‌ها و اضطرابها سکون می پذیرد و از تیه و وادی تاریک و تحیر و سرگردانی به مقام امن و امان و آبشخوار علم و معرفت و عقل و درایت می رسد. این است مفاد این حدیث در خلیفه قرار دادن آنان را در مقارنت قرآن کریم کتاب وحی آسمانی، نه تنها مفاد آن که نصب خلیفه و امام از جهت امارت و حکومت و ریاست بر قاطبه مردم باشد.

ایشان با مطرح کردن این مسأله که حدیث ثقلین که مؤید کتاب خداست، گفتار ائمه اثنا عشر شیعه را حجت کرده است و تبعیت شیعه در عقائد و معارف و اصول دین و فقه و قوانین و احکام از این امامان طبق حدیث ثقلین است که عامه از آن اعراض نموده اند، بیان می دارد: ما می گوئیم: همان طور که امروز نمی توانیم از حضرت موسی و عیسی تبعیت کنیم با آنکه رسول خدا بوده اند و نمی

توانیم دستورات تورات و انجیل را گرچه فرضاً صحیح و درست باشد به کار بندیم، زیرا حجت برای ما نیستند، پیغمبریشان و کتابشان نسخ شده است و حتماً باید از محمد بن عبد الله (صلی الله علیه و آله) و کتابش قرآن کریم تبعیت کنیم چون که حجت داریم، همین طور نمی توانیم از غیر ائمه اثنا عشر پیروی کنیم و معارف و فقه و تفسیر و اخلاق و سایر امور معارف و فرهنگ را از غیر ایشان أخذ کنیم، چون حجت بر گفتار آنان اقامه شده است و حجت بر پیروی قول غیرشان نداریم.